



Golestan University

Social Issues in Persian Literature

Volume 3(1), Winter 2025



The Examination of Social, Affective, and Religious Functions in Mahmoud Dowlatabadi's Stories (Case Studies: *Missing Slouch* and Four Short Stories)

Parvin Mazidi¹, Alia Youseffam^{2*}, Ali Hosseinaei³

¹ PhD student, Department of Persian Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: mazidi.parvin@iau.ac.ir

² Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email: Alieh.youseffam@iau.ac.ir

³ Assistant Professor, Department of Psychology, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran. Email: ali.hosseinaei@iau.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Full Paper

Article history:
Received: 2025-1-26
Accepted: 2025-3-10

Keywords:
Dowlatabadi
Religious Affects
Leftism
Realist Style

ABSTRACT

In his works, Dowlatabadi reflects religion in various forms, including emotions, beliefs, and behaviors. Given the deep-rooted presence of religion in the Iranian psyche and language over the past thousand years, the inclusion of religious elements in the works of realist writers such as Mahmoud Dowlatabadi may seem entirely natural. However, considering Dowlatabadi's leftist/Marxist leanings, the presence of religion in his works appears paradoxical rather than organic. This article examines the social, affective, and religious functions in five of Dowlatabadi's stories. The findings indicate that these affects are manifested in two ways: through characters' verbal and nonverbal actions. Moreover, such affects typically surface during times of hardship. Beyond minor factors such as Dowlatabadi's realist style, the primary reason for the presence of religion in his works lies in the theoretical shortcomings of Iranian Marxists. In the absence of progressive revolutionary forces, Iranian leftist ideologues were compelled to adopt religious figures and movements to fill the void left by the lack of revolutionary agents. Religious characters such as Imam Ali and mystics like Hallaj thus appear in the writings and discourse of leftist authors like Golsorkhi, symbolically taking on the role of revolutionary forces.

Cite this article Mazidi, P., Youseffam, A., Hosseinaei, A. (2025). The Examination of Social, Affective, and Religious Functions in Mahmoud Dowlatabadi's Stories (Case Studies: *Missing Slouch* and Four Short Stories). *Social Issues in Persian Literature*, 3 (1), 25-38.



©The author(s)

Publisher: Golestan University

Doi: 10.30488/SIPL.2025.502368.1077



بررسی کارکردهای اجتماعی عواطف مذهبی در داستان‌های محمود دولت‌آبادی (مورد مطالعه: جای خالی سلوچ و چهار داستان کوتاه)

پروین مزیدی^۱، عالییه یوسف فام^{۲*}، علی حسینیایی^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: mazidi.parvin@iau.ac.ir

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Alieh.youseffam@iau.ac.ir

^۳ استادیار گروه روانشناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران. رایانامه: ali.hosseinaei@iau.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله کامل علمی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰ واژه‌های کلیدی: دولت‌آبادی عواطف مذهبی چپ‌گرایی سبک رئالیستی	در آثار دولت‌آبادی مذهب به اشکال گوناگون (عواطف، باورها، رفتارها و...) بازتاب می‌یابد. به دلیل حضور هزاران ساله مذهب در ذهن و زبان ایرانیان، وجود این عنصر در آثار نویسندگان واقع‌گرایی چون محمود دولت‌آبادی کاملاً طبیعی جلوه می‌نماید؛ اما با توجه به باورهای چپ‌گرایانه / مارکسیستی نویسنده، این موضوع در آثار او نه طبیعی؛ بلکه متناقض خواهد آمد. در مقاله حاضر با اشاره به دلیل حضور مذهب در آثار نویسندگان چپ‌گرای ایرانی به بررسی کارکردهای اجتماعی عواطف مذهبی در پنج داستان دولت‌آبادی پرداخته‌ایم. نتایج نشان می‌دهد که این عواطف به طور کلی در دو قالب رفتارهای کلامی و غیرکلامی اشخاص داستان و بیشتر در اوضاع سخت زندگی نمود می‌یابند. گذشته از برخی دلایل نه چندان مهم؛ مانند سبک رئالیستی نویسنده، اصلی‌ترین دلیل حضور مذهب را در آثار وی باید در فقر نظریه مارکسیست‌های ایرانی جستجو کرد. ایدئولوگ‌های چپ ایرانی در غیاب نیروهای انقلابی پیشرو، ناگزیر به قراردادن افراد / جریان‌هایی پرداختند که رسالت نیروهای انقلابی را به عهده بگیرند. شخصیت‌های مذهبی مانند حضرت علی (ع) در آثار و سخنان چپ‌گرایانی چون گلسرخی و عارفانی چون حلاج از این دسته بوده‌اند.

استناد: مزیدی، پروین؛ یوسف فام، عالییه؛ حسینیایی، علی. (۱۴۰۳). بررسی کارکردهای اجتماعی عواطف مذهبی در داستان‌های محمود دولت‌آبادی (مورد مطالعه: جای خالی سلوچ و چهار داستان کوتاه). نشریه: اجتماعیات در ادب فارسی، ۳ (۱)، ۳۸-۲۵.



مقدمه

بررسی عواطف مذهبی در آثار نویسنده‌ای چون دولت‌آبادی - که روزگاری به اندیشه‌های چپ/ مارکسیستی تعلّق خاطر داشته است- تا اندازه زیادی پارادوکسیکال می‌نماید. دلیل این تناقض آن است که معمولاً جریان‌های چپ‌گرایانه (مارکسیستی) را «دین‌ستیز» می‌دانند. مارکس، دین را افیون توده‌ها می‌داند و پیروان او نیز معمولاً به این گفته مارکس ایمان داشتند و آن را به اشکال مختلف تکرار می‌کردند. در ایران و در نزد بسیاری از مارکسیست‌های ایرانی نیز داستان به همین گونه بوده است. برخی از چهره‌های اصلی جریان چپ ایرانی همین نگاه را به دین (و با توجه به اهمیت عرفان و تصوّف در ایران) و عرفان که برخی آن را نگاه هنری به دین دانسته‌اند - داشته‌اند؛ به عنوان مثال می‌توان به تقی ارّانی و دیدگاه او درباره عرفان اشاره کرد. ارّانی در رساله‌اش «عرفان و اصول مادی» با بازگشت به ریشه‌های عرفان در یونان نشان می‌دهد که چگونه برده‌داران یونانی با تولید و بازتولید آموزه‌های عرفانی، برده‌ها را - که به لحاظ تعداد، بسیار بیشتر از برده‌داران بوده‌اند - در انقیاد خود نگه داشته، استثمار می‌کرده‌اند.

با وجود مخالفت‌ها با دین و اشکال نزدیک به آن - چون عرفان - در آثار پیشگامان مارکسیسم غربی و ایرانی، برخی از نویسندگان چپ‌گرای ایرانی درباره دین، عرفان و تصوّف بسیار نوشته‌اند و آثار آنها مشحون از آموزه‌های دینی یا عواطف مذهبی است. دولت‌آبادی یکی از این نویسندگان چپ‌گرایی است که در آثار وی عواطف مذهبی کاملاً مشهود است. «ادراک سیاسی دولت‌آبادی با نوشته‌های کلاسیک مارکس هماهنگ است؛ اما او با اسلام سرستیز ندارد. اعتقادات او دقیقاً منطبق بر تحلیل طبقه انقلابی چپ‌گرا در عصرخویش بود که افراد مذهبی را نیروهایی بالقوه برای ایفای نقش در انقلاب می‌دیدند. در آثار او شخصیت‌ها مذهبی هستند؛ اما اعتقاداتشان تنها در ارتباط با خدا و ائمه اطهار(ع) نمود پیدا می‌کند» (تلفظ، ۱۳۹۳: ۷۹).

نویسنده در مقاله حاضر، برخی از کارکردهای اجتماعی عواطف (و باورهای) مذهبی را در زندگی و رفتارهای (کلامی و غیر کلامی) اشخاص پنج داستان برگزیده از وی (جای خالی سلوچ، ادبار، مرد، بند، پای گل‌دسته /امام زاده شعیب) بررسی کرده است.

پیشینه پژوهش

درباره آثار دولت‌آبادی تحقیقات بسیاری در قالب کتاب، مقاله، پایان‌نامه و... نوشته شده است که نویسندگان در آن آثار بیشتر به بررسی نثر، مضامین، مسائل سیاسی و اجتماعی، عناصر داستان و سبک داستان‌پردازی نویسنده، عناصر اقلیمی و روستایی و... پرداخته‌اند؛ برای نمونه تنها در ایران «در طی سالیان گذشته در مجموع بیش از شصت مقاله دانشگاهی درمورد داستان‌های محمود دولت‌آبادی نوشته شده است» (صراف و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۱) در ادامه، تعدادی از این آثار معرفی می‌گردند:

کتاب‌ها

- گفتگو با محمود دولت‌آبادی، مانیز مردمی هستیم (۱۳۸۰)، امیرحسین چهل‌تن و فریدون فریاد، موضوع این کتاب نقد آثار دولت‌آبادی است.

- رمان درخت هزار ریشه (۱۳۸۲)، کتایون شهپرراد، ترجمه آذین حسین‌زاده که به تحلیل آثار دولت‌آبادی به صورت کلی از نخستین آثار وی تا آفرینش کلیدر پرداخته است.

- دولت‌آبادی، داستان سرایی از تبار شهرزاد (۱۳۸۳)، محمد بهارلو، نویسنده در این کتاب به بررسی نگارش ادبی و شیوه داستان‌پردازی دولت‌آبادی پرداخته است.

پایان نامه‌ها

- شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه، محمود دولت‌آبادی (۱۳۸۹)، مهشید سهرابی جهرمی، نویسنده در این تحقیق به بررسی عناصر مشترک داستان و پیوند آن‌ها با اشخاص در داستان‌های کوتاه دولت‌آبادی پرداخته است.
- نقد ادبی و تحلیل مضامین اجتماعی در آثار دولت‌آبادی (۱۳۹۲)، میلاد شمعی. در این اثر، موضوعاتی مانند فقر فرهنگی و اقتصادی، خلاءهای عاطفی - روحی و روانی، خشونت و کژروی و گرسنگی به عنوان موضوعات مهم بررسی شده‌اند.
- بررسی عناصر داستانی در هشت داستان کوتاه کارنامه سپنج محمود دولت‌آبادی (۱۳۹۳)، مریم اسفندیاری. در این پایان‌نامه؛ تعدادی عناصر داستانی با هدف بهتر نمایاندن سبک دولت‌آبادی در ادبیات اقلیمی و روستایی بررسی شده است.

مقاله‌ها:

- «نقد فمینیستی بر سه اثر (مرد، آهوی بخت من گزل، جای خالی سلوچ)»، فاطمه مزيجانی، دانشگاه محقق اردبیلی (مجموعه مقالات دهمین همایش انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی)، سال ۱۳۹۴. در این مقاله نویسنده با بهره‌گیری از دو معیار نوع نگاه مؤلف به زن و مستقل دیده شدن زن از مرد، سه داستان دولت‌آبادی را با گرایش نقد فمینیستی بررسی کرده است.
- «سبک‌شناسی آثار محمود دولت‌آبادی بر مبنای مقالات دانشگاهی»، کارمین صراف، سید جمال‌الدین مرتضوی و همکاران، ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، سال ۱۳۹۹، شماره ۱. نویسندگان با بررسی چهل و نه مقاله دانشگاهی درباره آثار دولت‌آبادی، ویژگی‌های سبکی وی را استخراج، دسته‌بندی و در قالب یک مقاله ارائه کرده‌اند.
- «تحلیل جایگاه دین در رمان جای خالی سلوچ براساس نظریه اریک فروم» (۱۴۰۰)، مصطفی محمدی، لیدا نامدار، متن پژوهی ادبی، در این مقاله جایگاه دین را در رمان مذکور بر اساس نظریه ادیان خودکامه و ادیان نوع‌خواهانه اریک فروم بررسی کرده است.
- عنصر عاطفه در برخی از آثار ادبی (نظم و نثر گذشته و معاصر) مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است که در همه آن آثار، منظور از «عاطفه» همان مفهومی است که در گره‌خوردگی با «خیال»، جوهره شعر و ادب را تشکیل می‌دهد و از عناصر جدایی‌ناپذیر ادبیات؛ از جمله ادبیات داستانی است.
- از دیرباز کتاب‌های مقدس ادیان مختلف، بخشی از آموزه‌ها و پیام‌های خود را در قالب داستان و قصه ارائه کرده‌اند. این نکته حاکی از آن است که فهم تجربه‌های دینی در قالب روایت برای مردم «دل‌پذیرتر و باورپذیرتر» بوده است. دین و متعلقات آن در متون ادب فارسی؛ از جمله در ادب داستانی پیشینه‌ای غنی دارد. درباره عنصر عاطفه در داستان‌های دولت‌آبادی پژوهش‌هایی انجام یافته؛ اما در مورد عواطف مذهبی در آثار وی به طور خاص، نویسنده این سطور تاکنون به جز یک مورد رساله دکتری و مقاله مستخرج از آن تحقیق جامع یا مستقلاً نیافته است. از آنجاکه اشخاص داستان‌های دولت‌آبادی غالباً نماینده افراد و تیپ‌های گوناگون شخصیتی در زندگی واقعی هستند، یکی از بهترین منابع برای بررسی انواع عواطف؛ از جمله «عواطف مذهبی» (موضوع پژوهش حاضر) می‌باشند.

مبانی پژوهش

عاطفه در علم روان‌شناسی

در علم روان‌شناسی، عاطفه را بیشتر با عنوان هیجان (Emotion) تعریف کرده‌اند که چند وجهی است و تقسیم‌بندی‌های متفاوتی دارد. هیجان در سنین مختلف به شیوه‌های گوناگون بروز می‌یابد؛ اما همه انسان‌ها در محیط‌ها و

فرهنگ‌های مختلف دارای عواطف و هیجان‌های مشترک (هیجان‌های اصلی) هستند. براساس نظر کارول ایزارد؛ «هیجان‌های اصلی» شش دسته‌اند: ترس، خشم، نفرت، غم، شادی و علاقه (ریو، ۱۳۹۷: ۳۶۱). به اعتقاد روان‌شناسان «هیجان یا عاطفه یک واکنش و بازتاب فیزیولوژیکی است که مستقیماً با رفتار هدفدار فرد ارتباط دارد. همچنین هیجان یک حالت عاطفی کوتاه مدت و زودگذر است که به محیط و شرایط بیرونی بستگی دارد. در روان‌شناسی، هیجان‌ها معمولاً به احساس و واکنش‌های عاطفی اشاره دارد (اتکینسون، ریتال ال و همکاران، ۱۳۸۴: ۵۲).

رفتار مذهبی از رفتارهای پیچیده‌ای است که کمتر مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. بررسی‌ها نشان داده‌اند که اعمال مذهبی؛ از جمله حضور در کلیسا بیش از سایر متغیرها مورد بررسی قرار گرفته و تحقیق کلن و ویر (Clen and Weaer) در این مورد و البته رضایت از ازدواج را پیش‌بینی می‌کند (۱۹۷۸م) همچنین در کتاب هانس آیزنک (Hans Eysenck) نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیماران دارای باور مذهبی، بیشتر و زودتر بهبودی می‌یابند و دیرتر افسرده می‌شوند (افقه، ۱۳۹۳: ۱۷۹).

توجه به مذهب رویکرد تازه‌ای نیست؛ سالیان دراز توجه دانشمندان مختلف را چه برای تجزیه و تحلیل دلایل روی‌آوری به مذهب و چه در جهت و چگونگی تأثیر آن بر رفتار به خود جلب کرده است.

روان‌شناسان عصر حاضر معتقدند که آلام روحی و هیجانات خارجی موجب بیماری می‌شود؛ زیرا زندگی روزمره کنونی با نگرانی و اضطراب توأم است و داشتن ایمان به خدا و اعتقاد به یک مبدأ حقیقت و یک قدرت مافوق و مطلق است که ما را بر مشکلات فائق می‌سازد (مطهری، ۱۳۷۶: ۹۸). دین و مذهب از ارکان اصلی فرهنگ هر ملتی است و روش زندگی که یکی از شاخص‌های مهم سلامت روانی است. دین و دینداری چه به طور مستقیم و چه به طور غیرمستقیم در سلامت روان دخالت دارند. ارزش‌های دینی و ایمان و معتقدات دینی و مذهبی از عناصر مهم تشکیل‌دهنده شخصیت است (رشید پور، ۱۳۷۱: ۷۳). «باورها، بیانگر شیوه‌های زندگی و چگونگی تفکر و مهم‌ترین منشأ ابیدها و نیاید‌های انسان است؛ چرا و چگونه یک چیز را درست و شایسته و یک چیز را نادرست می‌دانیم؛ باورهای ما هستند که راه و رسم و شیوه زندگی را تعیین می‌کنند» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۹). با توجه به این که پژوهش حاضر در حوزه ادبیات فارسی است، در بخش تعریف و انواع عاطفه به متون روان‌شناختی استناد گردید و در بخش تحلیل مطالب، «عاطفه» به عنوان یکی از عناصر ادبیات کلام و «عواطف مذهبی» نیز در تعریف عام آن مورد نظر نویسنده بوده است.

عاطفه در ادبیات

آثار ادبی مانند آینه‌ای بازتابنده افکار، عواطف و گفتمان‌های رایج مردم هر عصر هستند. عاطفه در لغت به معنای مهر، محبت، علاقه و شفقت است. دهخدا در لغت‌نامه عاطفه را مهر، خویشی و قرابت معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل واژه عاطفه). این حالت درونی واکنش انسان در برابر رخداد‌های عینی، حالت عاطفی انسان است. گریستن، خندیدن، اندوه، شادی، تعجب، تأثر، امید، یأس و... مصادیق عاطفه‌اند که در وجود آدمی به صورت ملموس دیده می‌شوند. تأثیر انگیزه‌های عینی و ذهنی بر روان انسان منجر به ایجاد انفعال یا حالات گوناگونی از قبیل غم و شادی و مهر و خشم و اعجاب می‌شود که از آن با عنوان عاطفه یاد می‌شود (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۱۵۷).

از دیدگاه شفیعی کدکنی عاطفه بر سه نوع است: عاطفه فردی و شخصی - عاطفه اجتماعی و عاطفه بشری و انسانی (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۹۹). بر اساس این تقسیم‌بندی؛ «گاهی بیان یک اندوه فردی، زمینه عاطفی ادبیات را شکل می‌دهد و زمانی شاعر یا نویسنده بر روی یک اندوه اجتماعی انگشت می‌گذارد و در سطحی بالاتر، گاهی ممکن است زمینه عاطفی را یک موضوع انسانی - فراتر از یک قوم و ملت - تشکیل دهد. هر چه زمینه عاطفی شعر، اجتماعی‌تر و فرازمانی‌تر باشد، سطح عاطفی آن نیز بالاتر می‌رود» (زررقانی، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

نقش و اهمیت عواطف در زندگی انسان‌ها بر هیچ‌کس پوشیده نیست... همیشه مهم‌ترین مسائل ملل مختلف در ادبیات آنها مطرح می‌شود و از آنجایی که درون ما سرشار از عواطف گوناگونی همچون عشق، غم، امید، شادی، تعجب، حسد و نظایر آنهاست شاهکارهای ادبی جهان، سرشار از عواطف عام و مسائل مشترک انسانی است (فتوحی، ۱۳۸۹: ۶۸). واژه ادبیات به مفهوم گفتاری است که با استفاده از قدرت زبان سعی می‌کند فارسی زبانان سده‌های مختلف را تحت تأثیر قرار دهد. از آنجاکه قدرت زبان جزء مهمی از گفتار است، آن را نمی‌توان نادیده گرفت. این قدرت غالباً به صورت کلمات قصار، حکایات اخلاقی و عاطفی و شعر در دوره‌ای ارائه شده است (دو فوشه کور، ۱۳۷۷: ۹).

در ادامه، علت توجه برخی از چپ‌های ایرانی به مذهب و اشکال نزدیک به آن (مانند عرفان و...) - علی‌رغم نگاه مارکس به مذهب، به عنوان افیون توده‌ها - و بازتاب آن در آثارشان و نیز «چرایی این تناقض» در آثار نویسندگانی چپ‌گرا؛ مانند دولت‌آبادی بیان می‌گردد.

برای این تناقض می‌توان دلایل بسیاری برشمرد؛ به عنوان مثال می‌توان این تناقض را نتیجه سبک این نویسندگان دانست. دولت‌آبادی نویسنده‌ای رئالیست است که در آثار خود تصویری از جامعه ارائه می‌دهد. او آیینی‌ای در دست گرفته و آن را در مقابل جامعه قرار داده است؛ بدین ترتیب وجود عواطف مذهبی در آثار او را نه به دلیل تعلق خاطر او به این عواطف؛ بلکه باید نتیجه ناگزیر شیوه داستان نویسی او دانست.

به نظر می‌آید علت اصلی وجود چنین تناقضی در آثار نویسندگان چپ‌گرایی چون دولت‌آبادی جای دیگری باشد: غیاب نیروهای پیش‌برنده در تاریخ ایران. فقدان نیروهای انقلابی و پیشرو در تاریخ ایران و لزوم جعل چنین نیروهایی شاید اصلی‌ترین انگیزه این منتقدان برای تحریف چهره صوفیان باشد. مارکس و انگلس عمیقاً باور داشتند قوانین جهان‌شمول تحولات جوامع انسانی (از همبود نخستین تا کمونیسم نهایی) را دریافته‌اند؛ جهان‌شمول بودن این قوانین بدین معنا بود که این قوانین در تمام جوامع انسانی صدق می‌کرد و هیچ جامعه‌ای نبود که تحولات آن بر اساس این قوانین صورت نگرفته باشد. مارکس و پیروان او همچنین اعتقاد داشتند که برای تحول جامعه از یک مرحله به مرحله دیگر، وجود طبقات پیشرو و مترقی ضرورت دارد؛ به عنوان نمونه طبقه بورژوازی در اوایل ظهور خویش همان طبقه پیشرویی بودند که با برچیدن بساط فئودالیسم، جامعه غرب را از مرحله فئودالیسم به مرحله سرمایه‌داری به پیش راندند؛ همچنان که طبقه کارگر نیز همان طبقه‌ای است که خویشکاری و تقدیر تاریخی او انتقال جامعه از مرحله سرمایه‌داری به کمونیسم می‌باشد.

از آنجاکه قوانین تحول جوامع انسانی، «جهان‌شمول» بود، این قاعده علی‌الاصول باید در مورد ایران نیز صدق می‌کرد؛ اما تطبیق این قوانین با تحولات جامعه ایران کار آسانی نبود؛ برخی از مارکسیست‌های ایرانی وجود مرحله برده‌داری در ایران را تصدیق نمی‌کردند. برخی دیگر تفاوت‌هایی در مرحله‌بندی تکامل جوامع شرقی با آن چه در غرب اتفاق افتاده بود، می‌دیدند و... در مورد طبقات پیشرو و مترقی نیز این دشواری مشهود بود؛ زیرا طبقاتی که عهده‌دار تحول صورت‌بندی جوامع انسانی باشند، در تاریخ ایران حضور نداشتند؛ به عنوان مثال در ایران عصر قاجار که ساختار ایران در حال دگرگونی (به تعبیر مارکسیست‌ها از شکل فئودالی به شکل سرمایه‌داری) بود، هیچ نشانه‌ای از وجود طبقه قدرتمند و پیشرویی چون بورژوازی دیده نمی‌شد. بدون چنین طبقات انقلابی، تغییر و تحول جامعه ایرانی چگونه ممکن بوده است؟ در غیاب این طبقات انقلابی، وظیفه سنگین انقلاب اجتماعی به ناگزیر به صوفیان و عارفان و جریان‌هایی چون حروفیه محول گردید و صوفیان و عارفان، بار امانت تحول تاریخ را هم بر دوش گرفتند (و یا اینکه به اکراه بر دوش آنها گذاشته شد) منتقدان مارکسیست از صوفیانی چون حلاج، قهرمان مبارزه با طبقات واپس‌گرای فئودالی تراشیدند و آنها را به جای نیروهای تحول‌خواهی چون بورژوازی جا زدند؛ جوانشیر عرفان قرن هشتم را «شکلی از مقاومت مردم علیه سلطه مغولان و فئودال‌های ایرانی دست‌نشانده آنها» (جوانشیر، ۱۳۵۶: ۳۸) جلوه می‌دهد؛ همچنان که طبری نیز جنبش بابیه را آخرین جنبش انقلابی ایرانیان برای تغییر ساختار جامعه ایران می‌دانست (طبری، ۱۳۹۶: ۶۸۴)؛ جنبشی که دقیقاً در مرز بین جامعه سنتی فئودالی و انحطاط و تجزیه سریع آن قرارداشت

(امن‌خانی، ۱۴۰۰: ۵-۴۸۵). بعید نیست که دولت‌آبادی نیز مانند بسیاری از همفکران چپ‌گرای خویش همین نگاه را به مذهب و اشکال دیگر آن داشته باشد و به همین دلیل نیز در آثار خود به آن توجه ویژه‌ای داشته است.

بحث و بررسی

* خلاصه آثار برگزیده:

۱. **جای خالی سلوچ:** روایتی دردمندانه از زندگی زنی روستایی (مرگان) در یکی از روستاهای دورافتاده ایران (زمینج) است که بعد از ناپدید شدن ناگهانی شوهرش (سلوچ) می‌کوشد کانون خانواده را با تمام توان خود حفظ کند و به تنهایی با سختی‌های زندگی بجنگد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۹-۴۹۶). این منبع در فهرست منابع نیست.

۲. **ادبار:** رحمت - پسری با بیماری صرع - که مادرش در کودکی او از دنیا رفت و پدرش نیز قبل از آن به شهر رفت و دیگر بازنگشت. مردم او را به زنی به نام کوکب می‌سپارند که در روستا، شیرخوارخانه دارد. رحمت و کوکب به تدریج با یکدیگر انس می‌گیرند؛ اما با آمدن زنی به نام حلیمه به شیرخوارخانه، اوضاع به هم می‌ریزد. رحمت به او علاقه‌مند می‌شود و حسادت کوکب را برمی‌انگیزد. تلاش کوکب برای دور نگه داشتن آن دو از یک دیگر موجب خشم و رنجش رحمت شده، در اوج عصبانیت دیگ شیر داغ را روی پای خود برمی‌گرداند. کوکب او را از خانه بیرون می‌کند. رحمت به ناگزیر به خانه موقوفه خیرین می‌رود (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۲۷-۹).

۳. **مرد:** پسری جوان به نام ذوالقدر در بازگشت به خانه با اوضاعی آشفته روبرو می‌شود. پدر و مادرش دعوا کرده، مادر خانه را ترک کرده است. پدر نیز حال خوشی ندارد. مادر او با مردی دیگر رابطه دارد و دانستن این موضوع، ذوالقدر را آزار می‌دهد. او از خانه خارج می‌شود، شب را در میدان میوه و تره‌بار به صبح می‌رساند. صبح روز بعد، تصمیم می‌گیرد که به منظور یافتن کار به کارخانه شیشه‌گری برود و خواهر و برادر کوچکش را زیر پر و بال خود بگیرد (همان: ۴۶-۲۷).

۴. **بند:** پسری به نام اسدالله در کارگاه قالی‌باقی میرزا مظفر کار می‌کند. پدر و مادرش پیش از رفتن به شهری دیگر او را به میرزا سپرده‌اند. میرزا با اسدالله رفتار خوبی ندارد و از او بیگاری می‌کشد. بچه‌های دیگری نیز در کنار اسدالله در قالی‌باقی کار می‌کنند. اسد از دست مظفر به ستوه می‌آید و به خانه عمویش فرار می‌کند ولی مظفر او را یافته، با خواهش و التماس عموی اسد به خانه بر می‌گرداند و پس از تنبیه مفصل در کارگاه زندانی‌اش می‌کند. اسدالله کارگاه را به آتش می‌کشد و می‌گریزد (همان: ۹۲-۴۷).

۵. **پای گلدسته امام زاده شعیب:** سید داور بعد از مرگ پدرخوانده‌اش، تولیت امامزاده شعیب را به عهده می‌گیرد. یک شب زنی به نام عذرا به امامزاده می‌آید، شب را در آنجا می‌ماند و داستان زندگی‌اش را برای سید داور تعریف می‌کند. سید داور با او ازدواج می‌کند اما صبح روز بعد از طریق صحبت‌های عذرا درمی‌یابد که او خواهرش است. سید داور راهی شهر می‌شود تا با علمای دینی مشورت کند ولی عذرا - که دچار جنون شده - خود را از بالای گلدسته امامزاده به پایین می‌افکند (همان: ۱۴۹-۱۱۹).

کارکرد عواطف مذهبی در داستان‌های برگزیده

در تاریخ و فرهنگ ایرانی تا گذشته‌های نزدیک، آموزه‌های دینی بیشتر از راه‌هایی چون: مکتب‌خانه‌ها، سخن واعظان، نقل‌ها و داستان‌های مذهبی و... به نسل‌های مختلف انتقال می‌یافته است. در کتاب‌هایی مانند جودی، جوهری، مفاتیح‌الجنان و... در جامعه‌ای با فرهنگ شفاهی غالب، ناگزیر «روایت و نقل» جایگاه مهمی می‌یابد؛ از جمله منابع نقل‌ها و روایات، «داستان‌ها و متون مذهبی» بوده‌اند.

در داستان‌های دولت‌آبادی بیشتر اشخاص «مذهبی» هستند و در موقعیت‌های گوناگون زندگی، حالات مختلف روحی و با انگیزه‌ها، هدف‌ها و شیوه‌های متنوع «عواطف مذهبی» خود را بروز می‌دهند. عواطفی که در رفتار نسل‌های

مختلف این داستان‌ها نمود می‌یابند، گاهی راستین و گاه آمیخته به انواع آفات همچون: «ریا و خرافات» و نیز «استفاده ابزاری» از مفاهیم و مقدسات مذهبی می‌باشند.

انواع کارکردهای عواطف مذهبی

الف - رفتارهای غیرکلامی:

۱- الف - پایبندی عملی به شرایع و احکام

اشخاص داستان‌های مورد نظر به درجات گوناگون نسبت به احکام و شرایع دینی پایبندند؛ کسانی که یک وعده نمازشان ترک نمی‌شود و کسانی که هیچ گونه تقیدی ندارند. در رمان *جای خالی سلوچ*، علی گناو نماز نمی‌دانست. پسر صنم هم نمی‌دانست. بیشتری‌ها فقط لب‌هایشان را تکان می‌دادند. علی گناو لب می‌جنباند (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷، ج ۲: ۱۶۴). در پای گلدسته امامزاده شعیب، لزوم اجرای صیغه شرعی برای محرمیت زن و مرد و برقراری ارتباط مشروع بین آنان (همان، ج ۱: ۱۴۳)، «حرمت آواز زن» به لحاظ تأثیر عاطفی منفی بر شنونده نامحرم و «عقوبت اخروی آن» به عنوان باورهای دینی مطرح می‌گردد. در گفتگو و درد دل عذرا خطاب به سید: «گفتم دلم می‌خواد بخونم... می‌گفتن نه؛ صدای زنو نباید کسی بشنوه، وگرنه تو اون دنیا سر یه تار موش تو آتیش جهنمه...» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۱۱۹).

۲- الف - برگزاری مراسم تعزیه، مجالس روضه (باموقوف‌ها و نذرها)

روضه‌ها از شایع‌ترین مراسم مذهبی در روستا (و در داستان‌های منظور) می‌باشند و به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌گردند؛ اما آنچه در روستا مراسم ویژه خود را دارد، مراسمی بسیار مفصل که در آن همه اهالی روستا از بزرگ مالک و خرده مالک گرفته تا خوش‌نشین - زن و مرد - شرکت می‌کنند مراسم مربوط به «دهه محرم» است. در این دهه از درآمد آب و ملک‌هایی که وقف مراسم دهه محرم شده است برای هزینه‌های شبیه‌خوانی استفاده می‌شود: «هرسال یک شتر نذر ابوالفضل کرده بود که تاسوعا عاشورا خونش را بریزند و یک پا آب هم که از پیش وقف محرم کرده بود تا از بابتش یک شب و روز به شبیه‌خوان‌ها و فقرا خرج بدهد» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۸۴). در فهرست منابع نیست. بزرگ مالکان روستا در اداره و پرداخت هزینه‌های مربوط به دهه محرم؛ به ویژه تاسوعا و عاشورا و گاه حتی در اجرای شبیه‌خوانی پیشقدم‌اند:

«دهه عاشورا، دهه جولان قائم بود. چون بنا بر وصیت حاج کلو، دهه محرم شترها در اختیار شبیه‌خوان‌ها بود. به خصوص روز عاشورا که دسته‌ای تماشایی در تلخ‌آباد به راه می‌افتاد؛ طوری که مردم شهر و دهات دور و اطراف ولایت می‌آمدند به تماشا» (همان، ۱۶۸).

۳- الف - ساختن بناهای مذهبی و بقاع متبرکه

مسجد و حسینیه گاه به هم متصل‌اند؛ در واقع حسینیه حکم حیاط و محوطه مسجد را دارد و از آن برای شبیه‌خوانی استفاده می‌شود (دولت‌آبادی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۱۷۹). در «پای گلدسته امامزاده شعیب» آمده: «مزار امامزاده شعیب در کوهپایه بود و مصفا میان دو دنده کوه و بالا سر یک قلعه دویست خانواری علم شده بود. می‌گفتند شاهزاده شعیب به زیارت جدش آقا امام رضا از مدینه به طوس می‌رفته که بین راه شهید شده و بعد از سال‌های سال، نوری از فرق کوه بیرون بسته و بعد سنگی توی سنگ پیدا شده که رویش شجره‌نامه شاهزاده بوده است و مردم جمع شده‌اند و به همت هم مزارش را سرپا کرده‌اند و بعد در پایین پایش، خانه‌های خودشان را چیده‌اند» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۱۱۳).

در داستان بیابانی: «علی لوچ بعد از دوره شترداری به بیابان زده و بعد از بیست و هفت سال از ترکمن صحرا سر در آورده و به ولایت پیغام داده بود که بعد از مرگش، شترخوانش را حسینیه کنند»

(همان: ۳۰۹).

۴- الف - خادمی امامزاده‌ها، نذرها، موقوف‌ها

این کار با توجه به دورافتادگی و عدم شهرت امامزاده، کوچک بودن روستا و... کاری است با درآمد محدود؛ در حقیقت خادم، اداره‌کننده مراسم مذهبی و همه‌کاره بقعه است. خادم امامزاده، که معمولاً نسل در نسل این وظیفه را به عهده دارد، نزد مردم معتقد، حرمت دارد و مورد عشق و ارادت آنان است؛ به ویژه اگر از نسل سادات باشد مانند رفتار اهالی روستا نسبت به میرزا موسی - خادم فقید امام زاده - و فرزندخوانده‌اش سید داور (پای گلدسته امام زاده شعیب):

«دو جریب زمین موقوفه پشت امامزاده را هم به او دادند تا برای خودش کشت و کار کند. آبش از مشاع، گاوش از ارباب... نذر و نیازها و اضافات موقوفه هم که یکسر به دامن سید می‌ریخت» (همان: ۱۲۱).

۵- الف - زیارت امامان (ع) و امامزادگان

در روایات نسبت به اکرام و توجه به امامزادگان سفارش بسیار شده است. پیامبر اسلام (ص)، فرمودند: «کسی که اولاد مرا اکرام کند، به تحقیق مرا اکرام کرده است» (نوری طبرسی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۳۷۶). روستاییان بعد از فراغت از برداشت محصول برای زیارت و سیاحت به امامزاده رو می‌آورند: «در این زمان امامزاده از جمعیت پر شده، شبیه‌خوان‌های بسیاری گرد می‌آیند و مجالس روضه هرروز برگزار می‌گردد» (همان: ۱۲۳).

رفتن به زیارت ائمه اطهار (علیهم السلام) آرزوی هر روستایی است و چنین آرزویی به شرط فراهم بودن امکانات مادی تحقق می‌یابد. هرچندگاه نیز خانواده‌ای روستایی که در کوران حوادث و پیشامدهای زندگی و اوضاع بد معیشتی گرفتار آمده است به قصد زیارت و با بهانه‌هایی چون نذر و شفا گرفتن، از کشور خارج می‌شود. زیارت‌هایی برای گریز از اوضاع ناگوار. زائر روستایی در عتبات، گاه مدت بسیار طولانی - قریب یک‌سال - ماندگار می‌شود و سختی‌های بسیاری را تحمل می‌کند (دولت‌آبادی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۳۴).

۶- الف - سرپرستی یتیم و یتیم‌نوازی

قرآن مجید به یتیمان اهمیت فوق‌العاده‌ای داده است. در آیات متعددی (۲۳ بار) به موضوعات گوناگون مربوط به ایتام پرداخته است:

«نیکی آن نیست که به هنگام نماز صورت خود را به سوی مغرب و مشرق کنید بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز رستاخیز و... ایمان آورد و مال خود را با تمام علاقه‌ای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و از کار افتادگان انفاق کند» (بقره/۱۷۷). احادیث بسیاری نیز از معصومین (علیهم السلام) در سفارش به یتیم‌نوازی و آثار نیک و پاداش بزرگ آن در منابع معتبر روایی ثبت شده است. اعتقاد به اینکه سرپرستی یک یتیم هم پاداش اخروی دارد و هم باعث برکت و رونق خانه می‌شود در داستان ادبار:

«مردم میت مادرش را از روی زمین برداشتند و هنوز یک روز خورشید روی گورش نتابیده بود که رحمت را با یک مشت صدقه سپردند به کوکب که یگه بود و کسی را نداشت تا هم ثوابی برای آخرتش باشد، هم عصای دست پیری- اش» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۱۱).

۷- الف - تدین؛ ملاک اعتماد و درستی

در محیط روستا، انسان درستکار را بر اساس اعتقادات، باورها و رفتار مذهبی او می‌شناسند؛ برای نمونه در داستان کوتاه بند:

«هر که او را از دور و نزدیک می‌شناخت، می‌دانست نماز و روزهٔ مظفر یک وعده هم لنگ نمی‌شود؛ اما به گردن خودش، حرف‌هایی هم پشت‌سرش می‌زدند» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷: ج ۱: ۵۰).

۸- الف - باورها و عواطف خاص

۸-۱- الف - عدم دفن اموات در شب

نکته قابل ذکر، آمیختگی خرافات با برخی از باورها و عواطف مذهبی اشخاص داستان است. وارینگ معتقد است که در ایران هنگام غروب آفتاب و شب جسد را دفن نمی‌کنند و آن را بدیمن می‌دانند (وارینگ، ۱۳۷۱: ۱۱۹). در دین اسلام ممانعتی برای این کار وجود ندارد؛ اما همواره کراهت داشته است. بازتاب این باور اعتقادی در رمان جای خالی سلوچ:

«براو گمان برد که ننه علی گناو باید میان تابوت خوابیده باشد؛ از این که میت را در شب خاک نمی‌کنند» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۵۶).

۸-۲- الف - وجوب خوردن گوشت برای مسلمان (در چهل روز)

مرگان می‌گوید: «حالا که باباشان یک مشت پول برایم راهی کرده، من هم دو سیرگوشت می‌خرم و برای‌شان بار می‌کنم آخر آدم مسلمان اگر چهل روز گوشت نخورد می‌گویند کافر حساب می‌شود» (همان، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

۸-۳- الف - نحسی عدد سیزده

عدد سیزده در غالب ادیان، فرهنگ‌ها و ملل از گذشته تاکنون شوم تلقی می‌شده است؛ برای نمونه در باور یونانیان قدیم، مسیحیان و... اما برخی محققان مسلمان این عدد را در دین اسلام؛ به ویژه در مذهب شیعه با استناد به بعضی دلایل قرآنی و تاریخی «خوش‌یمن» دانسته‌اند.^۱ و برخی دیگر نیز در آموزه‌های اصیل اسلامی، سعد و نحس امور، اعداد، اشیاء و... را از اساس مردود دانسته، رسوخ باورهای خرافی را در فرهنگ اسلامی متأثر از برخی ادیان و فرهنگ‌های ملل دیگر مانند یهود و هند و... می‌دانند.^۲ در پای گلدستهٔ امامزاده شعیب آمده است: «می‌گه از وقتی که من پا توی ده شون گذاشتم و اون جمعم کرده، براش نحسی آوردم. تو رو خدا راس می‌گه؟ من نحسم؟... می‌گه برا این که روز سیزده ماه بوده. ببین! تو رو خدا ببین» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷: ج ۱: ۱۱۹).

ب- رفتارهای کلامی:

۱- ب- انواع دعا (دعای شکر، برکت سفره و...)

خوردن و آشامیدن در نگاه دین، بهره‌گیری از نعمت الهی در مسیر بندگی خداست. در آموزه‌های دینی توصیه‌هایی در «آداب غذا خوردن» آمده است؛ از جمله: حلال‌خواری، گفتن بسم‌الله در آغاز سپاسگزاری، داغ نبودن غذا و... در داستان مرد، در گفتگوهای اشخاص با یکدیگر بارها سخنانی گفته می‌شود که نشان‌دهنده اعتقادات و عواطف مذهبی آنان است؛ مانند خواندن دعا برای برکت سفره در پایان غذا و سپاسگزاری از میزبان یا هنگام دریافت صدقه و... برای نمونه:

«با دو دلی دست دراز می‌کند و نان و گوشت شب مانده را از دست پیرزن می‌گیرد و زیر لب می‌گوید: خدا به سفره‌تان برکت دهد» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷: ج ۱: ۳۳). در داستان هجرت سلیمان، پس از پایان شام:

۱. برای نمونه، رک: مصاحبه ایکنبا با ولی‌اله نصیری، استادیار دانشگاه شهرکرد، مندرج در سایت خبرگزاری بین‌المللی قرآن ۱۳۹۸/۱۲/۱۸.
۲. رک: مرتضی مطهری، سخنرانی حسینیه ارشاد، ۱۳۴۹/۱/۱۶. این سخنرانی در هیچ کتابی به صورت مستقل چاپ نشده است؛ بلکه فقط در مجموعه آثار ایشان آمده است.

«سید زیر لب شروع کرد به دعا خواندن و عذرا سفره را جمع کرد. سید دعا را تمام کرد و بعد سینه دست‌هایش را کشید روی گونه‌هایش و بلند، به‌طوری‌که عذرا هم خوب شنید، گفت: الهی! لک الحمد و لک الشکر» (همان: ۱۳۵).

۲-ب- ذکر بسم‌الله (در حالات و امور گوناگون)

در سخنی از پیامبر (ص) نقل شده است: «خداوند می‌فرماید هرگاه بنده بگوید: بسم الله الرحمن الرحيم، خدای متعال می‌گوید: بنده من با نام من آغاز کرد، بر من است کارهایش را به انجام رسانم و او را در همه حال برکت دهم» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۰۰).

رفتار کلامی رایج اشخاص داستان، آغاز کارهایشان با نام خداست زیرا معتقدند هرکاری که با نام خدا شروع شود به خیر و نیکی پایان می‌یابد؛ برای نمونه در داستان مرد: «صبح به صبح اسب را از طویله بیرون می‌کشید و با کمک ذوالقدر درشکه را به اسب می‌بست. «بسم‌الله» می‌گفت و از در کاروانسرا بیرون می‌رفت» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۳۷). از کارکردهای دیگر ذکر بسم‌الله در این داستان‌ها؛ تهدید یا تشویق گوینده به انجام کاری، بیان تعجب و... می‌باشد؛ برای نمونه در داستان بند: «مظفر آمد دستش را گرفت و از دکان بیرون برد و سرش داد توی اتاق بزرگ تا با خودش گریه‌هایش را بکند و رفت بالای سر بچه‌ها و گفت: بسم‌الله! این اولش» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۶۶).

۳-ب- گفتن ان‌شاءالله

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «هرگز مگو که فردا چنین کاری خواهیم کرد مگر آن که [بگویی] اگر خدا بخواهد» (کهف/۲۳ و ۲۴). امام صادق (ع) فرمود: «روز خود را با عمل خیر آغاز کنی و به فرشتگانی که اعمال شما را ضبط می‌کنند عمل خیر را در اول و آخر روز املاء کنی که ان‌شاءالله آن چه ما بین اول و آخر روز انجام می‌دهید خداوند بر شما می‌بخشاید» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۴۲). براساس آیات و روایات، گفتن ان‌شاءالله، نشان‌دهنده باور گوینده به «وجود اراده‌ای بالاتر از اراده انسان» و ضامن انجام امور به «میمنت و مبارکی» است. ذکر ان‌شاءالله از زبان اشخاص داستان‌های برگزیده، نشان از نهادینه بودن این باور درونی و نمایان‌گر ایمان قلبی و عواطف مذهبی آنان است:

- «میرزا مظفر به حالت دعای خیر گفت: ان‌شاءالله که فرجی بشه که می‌شه. خداوند عالم با بنده‌هایش که دعوا نداره» (دولت‌آبادی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۵۵).

- «اسدالله: اگه ان‌شاءالله سرش خوب شد و کارش طوری بود که لیاقت داشت، چیزی بکشی روی مزدش» (همان: ۶۲).

۴-ب- سوگند خوردن

یکی از موضوع‌ها با بسامد بالا در رفتارهای کلامی اشخاص این داستان‌ها «سوگند خوردن» - در اوضاع مختلف و با انگیزه‌های گوناگون - است. موضوع سوگندها بیشتر، اشخاص و مفاهیم مقدس دینی، کارها و پیشامدهای زندگی آنها و نیز مواردی است که در عرف و باور مردم به‌دلائل گوناگون از نوعی «حرمت و قداست» برخوردارند. برخی از مهم‌ترین انگیزه‌ها و کاربردهای سوگند؛ برای نمونه:

۱-۴-ب برای اثبات صداقت و وفای به عهد

- «عمو تو که به من قسم ندادی اما به والله قسم به کلام الله قسم به همه پیغمبرها قسم از دقیقه‌ای که اون مرد پاش رو بیرون از دروازه گذاشت من تا اون چه در قوه‌ام بود به قولم عمل کردم» (همان، ۷۵). و یا در گفتگوی دو برادر (عباس و ابرو) در جای خالی سلوچ:

- قسم می‌خوری که عمو ریشه تو را ور کشیده؟

- تو خودت چرا قسم نمی‌خوری؟
- من قسم می‌خورم (دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۴۸).

۲-۴-ب) برای تهدید به انجام کاری

از کارکردهای سوگند به هنگام خشم؛ مرگان که از دست سالار عبدالله عصبانی است فریاد می‌زند: «به برکت خدا می‌کشمت؛ من از جانم سیرم» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۴۲).

۳-۴-ب) برای اظهار عجز و نیاز

«تو را به خدا، تو را به امام، تو را به جان هرکه دوست داری یک کاری بکن ! این زیر می‌میرم» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۶۹).

۴-۴-ب) برای اثبات بی‌گناهی

در جای خالی سلوچ، سالار از مرگان می‌خواهد با دست گذاشتن بر قرآن، خود را از اتهام دزدیدن مس‌ها تبرئه کند: «- سالار گفت دست به قرآن بزن؛ می‌زنی؟ دست به قرآن بزنم که چی؟ - که تو خودت مس‌ها را ندزدیده‌ای» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۷۰).

باورهای دینی و عواطف مذهبی اشخاص در داستان‌های برگزیده - پیدا یا پنهان - در جایگاه مناسب اثر و مطلوب نویسنده، به پیشبرد امور و غنای عاطفی داستان‌ها کمک می‌کنند. عواطفی که به اقتضای محیط و زمان و مکان داستان‌ها بیشتر مبنای «تجربی» (و توارثی) دارند تا «ساز معرفتی»؛ انتقال نسل به نسل عقاید و عواطف - با الگوهای عینی و عملی بزرگسالان - با سطوح پایین‌تر آگاهی و درجات بالاتر هیجانی و احساسی.

نتیجه‌گیری

بازتاب مذهب (عواطف، باورها، رفتارها و سنت‌ها و...) در آثار ادبی نویسندگان معاصر، امر تازه و شگفتی نیست. به دلیل حضور هزاران ساله مذهب در زندگی ایرانیان، این عنصر ریشه در ذهن و زبان ایرانیان دارد و بازتاب آن - آگاهانه یا ناآگاهانه - در آثار مکتوب دیده می‌شود. با وجود جریان‌هایی؛ چون جریان چپ / مارکسیسم که با مذهب دشمن‌اند و آن را افیون توده‌ها می‌پندارند و با آن و همه اشکال آن (عرفان و...) مبارزه می‌کنند. اما آنچه جالب است اینکه، در آثار برخی از نویسندگان چپ‌گرای ایرانی مانند محمود دولت‌آبادی، «مذهب» و «عواطف مذهبی» به اشکال گوناگون حضور دارد؛ امری که در ظاهر متناقض به نظر می‌آید.

دلیل این امر را باید در فقر نظریه مارکسیست‌های ایرانی جستجو کرد. ایدئولوگ‌های چپ ایرانی در غیاب نیروهای انقلابی پیشرو (برده‌ها، سرف‌ها و کارگران) ناگزیر به قراردادن افراد / جریان‌هایی پرداختند که رسالت نیروهای انقلابی را برعهده بگیرند؛ شخصیت‌های مذهبی مانند حضرت علی (ع) در آثار و سخنان چپ‌گرایانی؛ چون گل‌سرخی و عارفانی چون حلاج از این دسته افراد بوده‌اند. توجه به بزرگان مذهب و عرفان ناگزیر در ذهن و زبان نویسندگان چپ‌گرا تأثیر گذاشته، در آثار آنها - به درجات گوناگون - بازتاب یافته است.

در پنج داستان برگزیده، کارکردهای عواطف مذهبی و باورهای دینی به طور کلی در دو قالب رفتارهای کلامی و غیر کلامی اشخاص - در حالات مختلف و اوضاع گوناگون زندگی - نمود یافته‌اند.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۹) تهران، نشر احسان.
- اتکینسون، ریتال آل و همکاران (۱۳۸۴). *زمینه روان‌شناسی*، محمدنقی براهنی، تهران: نشر رشد.
- افقه، سوسن (۱۳۹۳). *معرفی کتاب «هانس آیزنک»*، تهران: انتشارات افق.
- امن‌خانی، عیسی (۱۴۰۰). *تبارشناسی نقد ادبی ایدئولوژیک*، چاپ دوم، تهران: نشر خاموش.
- براهنی، رضا (۱۳۶۸). *قصه نویسی*، چاپ چهارم، تهران: نشر البرز. (در متن نیامده)
- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۴). *سفر در مه: تأملی در شعر احمد شاملو*، تهران: نشر زمستان.
- تطف، کامران (۱۳۹۳). *سیاست نوشتار*، ترجمه: مهرک کمالی، تهران: نشرنامک.
- دولت‌آبادی، محمود (۱۳۸۷). *جای خالی سلوچ*، چاپ ششم، تهران: نشر چشمه.
- دولت‌آبادی، محمود (۱۳۹۷). *کارنامه سپنج*، جلد یک و دو، تهران: نشر نگاه.
- دو فوشه کور، شارل هنری (۱۳۷۷). *اخلاقیات و مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی*، ترجمه عبدالمحمد روح‌بخشیان و محمدعلی امیرمعزی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴). *باورهای عامیانه مردم ایران*، چاپ سوم، تهران: نشر چشمه.
- رشیدپورتهرانی عبدالمجید (۱۳۷۱). *چرا رنج می‌بریم*، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج).
- ریو، مارشال (۱۳۹۷). *انگیزش و هیجان*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر ویرایش.
- زرقانی، سیدمهدی (۱۳۸۴). *چشم انداز شعر معاصر ایران*، چاپ دوم، تهران: نشر ثالث.
- شفیع کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۲). *ادوار شعر فارسی*، تهران: نشر سخن.
- شیخ صدوق (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا*، ج ۱، تهران: انتشارات جهان.
- صراف، کارمین، مرتضوی، سید جمال الدین و همکاران (۱۳۹۹). «سبک‌شناسی آثار محمود دولت‌آبادی بر مبنای مقالات دانشگاهی»، *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*، سال ۱۳ شماره ۴۷.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۹). *بلاغت تصویر*، تهران: نشر سخن.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). *اصول کافی*، ج ۲، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامیه.
- طبری، احسان (۱۳۹۶). *برخی بررسی‌ها پیرامون جهان‌بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران*، به کوشش عزیزالله علیزاده، تهران: فردوس.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). *انسان کامل*، چاپ هشتم، تهران: انتشارات صدرا.
- وارینگ، فیلیپ (۱۳۷۱). *فرهنگ خرافات*، ترجمه احمد حجاران، چاپ اول، تهران: نشر مترجم.
- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۳۶۸). *مستدرک الوسائل*، ج ۱۲، قم: نشر مؤسسه آل‌البیت (ع).



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی